

به بهانه سالروز در گذشت بانی سبک کوبیسم، «پابلو پیکاسو»،
مروری بر زندگی این هنرمند، آثارش و آثار مشابه

عجیب ولی ماندگار و ارزشمند

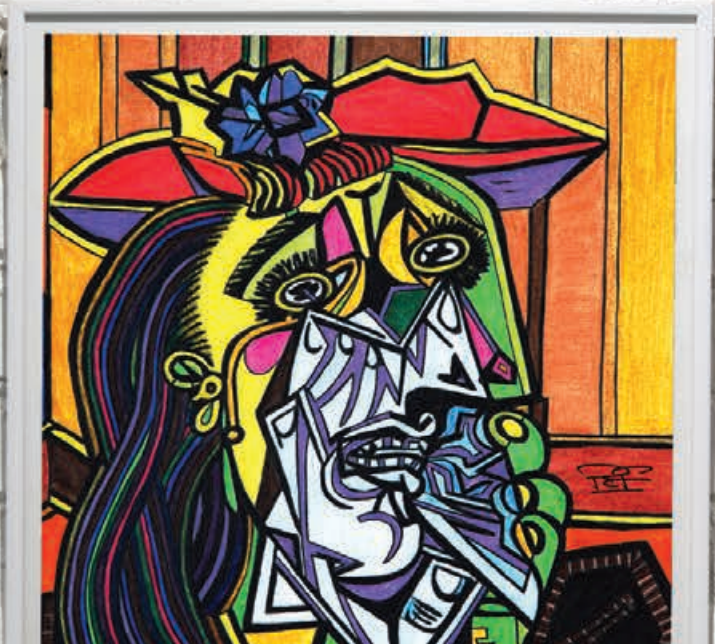


ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۷
۲۴ رجب ۱۴۳۹ • ۱۱ آوریل ۲۰۱۸
شماره ۱۹۷۹۲

۹۰۱۶



گفته می شود، چند روز قبل، ۹ آپریل، سالروز در گذشت نابغه جنگجالی دنیای نقاشی، پابلو پیکاسو بود. به همین بهانه، هم نگاهی داریم بر سرگذشت و برخی آثار پیکاسو و هم با بررسی تعدادی از مشهور ترین و گران قیمت ترین تابلوهای نقاشی دنیا، به این سوال پاسخ می دهیم که: چرا برخی نقاشی های ساده و عجیب، محبوب و پر طرفدارند؟

نمایش وباله و حتی شعر و نمایشنامه نویسی را در کارنامه هنری خود دارد. پیکاسو، یکی از شناخته شده ترین چهره های تاریخ هنر در زمینه نقاشی است که مکتب «کوبیسم» را با او می شناسند. کوبیسم که از واژه «Cube» به معنی «مکعب» گرفته شده، به نقاشی های به ظاهر ساده ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی شکل هندسی، خلق شده اند

هم به اندازه پیکاسو، کار با تکنیک های گوناگون مثل طراحی، مجسمه سازی، گرافیک، سرامیک و کار با ابزارهایی چون گواش، پاستل، مدادرنگی و... را تجربه نکرده باشد. اواز لیتوگرافی و چوبکاری و پیکر تراشی از گچ و چوب و ساخت مجسمه های برنزی تا ساخت سازه هایی از آهن و مقوتل و طراحی طرح هایی برای لباس و پرده

مهن ساعدی

پرونده

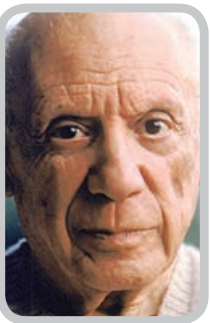
شاید درباره هیچ هنرمندی، دست کم در زمان حیاتش، به اندازه «پابلو پیکاسو» مقاله، کتاب، رساله، تفسیر، نقد و یادداشت نوشته نشده و شاید هیچ هنرمندی

پیکاسو، هنرمند خلاق و تاثیرگذار

زندگی شخصی

از اسپانیا پیش به سوی پاریس

«پابلو پیکاسو» ۱۳۶ سال پیش در مالاگا، شهری در اسپانیا به دنیا آمد. او فرزند یک نقاش تحصیل کرده به نام «جوز روئیز بلنکو» و «ماریا پیکاسو» بود. ۲۰ ساله که شد، نام خود را به نام خانوادگی مادرش تغییر داد. پابلو از همان دوران کودکی به نقاشی علاقه داشت و از ۱۰ سالگی نزد پدرش که معلم یک



آموزشگاه هنری بود، اصول اولیه نقاشی را فراگرفت و دوستانش را با کشیدن نقاشی، بدون بلند کردن قلم یا نگاه کردن به کاغذ سرگرم می ساخت. چند سال بعد به همراه خانواده به «بارسلونا» تغییر مکان داد و آن جا در یک آکادمی هنری به نام «لا لئجا» به تحصیل مشغول شد. در اوایل کارش، دیدار او از مکان ها و گروه های مختلف هنری در پیشرفت هنرش بسیار تاثیر گذار بود و در سال ۱۹۰۰ میلادی اولین نمایشگاه نقاشی هایش در بارسلونا تشکیل شد. در پاییز همان سال به پاریس رفت و در آن جا به واسطه آثار سبک «امپرسیونیست» خود به شهرت رسید. پیکاسو یکی از پرکارترین و پانفوذترین هنرمندان قرن بیستم است.

فعالیت هنری و حرفه ای

از دوره آبی ورژ تا کوبیسم

پابلو، زمانی که به کار مشغول نبود، از تنها ماندن خودداری می کرد و به همین دلیل دوستان زیادی داشت. در این زمان خود کشی یکی از دوستانش روی پابلوی جوان تاثیر عمیقی گذاشت و تحت چنین شرایطی دست به خلق آثاری زد که از آن به عنوان دوره «آبی» یاد می کنند. در این دوره بیشتر به ترسیم چهره آکروبات ها، بندبازان، گدایان و هنرمندان می پرداخت. پابلو در دوره آبی بیشتر رنگ های تیره را در تابلوهای نقاشی خود به کار می گرفت، اما پس از مدت کوتاهی اقامت در فرانسه با تغییر ارتباطات، جعبه رنگ او به رنگ های قرمز و صورتی تغییر پیدا کرد. به همین دلیل این دوره از فعالیت های هنری اش را دوره «رژ» می نامند. چند سال بعد، او به همراه نقاش فرانسوی «جرجیس براک» متأثر از قالب «امپرسیونیسم» فرانسوی، سبک جدیدی در کشیدن مناظر به کار برد که در نظر منتقدان از مکعب های کوچکی تشکیل شده بود. این سبک «کوبیسم» نام گرفت. بعضی نقاشی های این دو هنرمند در این زمینه آنقدر به هم شبیه است که تفکیک آن ها بسیار مشکل است. سال ها بعد پابلو پیکاسو، همکاری خود را در تولیدات تئاتر و نمایش آغاز کرد و ۵۰ ساله که شد، به مجسمه سازی علاقه مند و با ایجاد نمایشگاه های بزرگ در پاریس و زوریخ و همچنین انتشار اولین کتابش، به شهرت فراوانی رسید.

تاثیر از شرایط اجتماع

خلق یک اثر ماندگار



به آن جا برده نشود. این تابلوی نقاشی بعدها به عنوان یکی از جذاب ترین آثار در موزه مادرید در معرض نمایش قرار گرفت. اثری ستودنی از خالق سبک کوبیسم که برخلاف نقاشی های قبلی اش که جشنواره ای از رنگ را با طرح و نقش های مکعبی به تصویر می کشید، سیاه و سفید طراحی شده است. یک تابلوی ضد جنگ و خواهان صلح. تابلوی «گرنیکا» از چپ به راست، مادری را نشان می دهد که بالای جسد بی جان دخترش زانو زده و رو به آسمان، درد خودش را فریاد می زند. کنار زن، کله یک گاو تر است که سمبل «فاشیسم» و دیکتاتوری ژنرال فرانکو است. اهمیت نمادین این نقاشی در حمایت از صلح و نشان دادن چهره کریه جنگ و فاشیسم آن قدر بالاست که قبلا یک کپی فرش بافی شده از آن، بر سر در ورودی سالن شورای امنیت سازمان ملل متحد نصب شده بود. خیلی ها معتقدند گر نیکا مهم ترین اثر پیکاسو و به نوعی بیانیه سیاسی او است.

آذر صدارت

شاید در اولین نگاه، برخی تابلوهای نقاشی «موزه هنرهای معاصر تهران»، «لوور پاریس» یا «هرمیتاژ سنت پترزبورگ»، نقش های ساده و طرح هایی معمولی به نظر برسند که هزاران برابر زیباتر و حرفه ای تر از آن را، دیگران خلق کرده اند. اما راز و رمز تابلوهای نقاشی معروف و محبوب و گران قیمت تاریخ هنر چیست که علاقه مندان برای دیدنشان به آب و آتش می زنند و در حراجی های بزرگ، برای داشتنشان پول های میلیون دلاری خرج می شود؟ چرا برخی تابلوهای نقاشی که در نگاه اول، معمولی تر از نقاشی های بازاری است، شاهکارهای هنری قلمداد شده و مدیران موزه ها و کلکسیون داران بزرگ و ثروتمند، برای تصاحبشان رقم های سرسام آور پرداخت می کنند؟ حتما قبول دارید که درک آثار هنری در زمینه های مختلف از جمله نقاشی، نیازمند دانستن پیشینه آن اثر، جایگاهش در تاریخ هنر، جایگاه صاحب اثر در عالم هنر و مهارت خوب دیدن و خوب ارتباط گرفتن است و شاید یکی از دلایلی که گاهی، متوجه ارزش و اهمیت واقعی یک اثر نمی شویم، به این دلیل است که از دانش کافی در این زمینه، بی بهره ایم. در ادامه، قرار است برخی دلایل محبوبیت و ارزش مادی و معنوی تعدادی از نقاشی های به ظاهر ساده دنیا را مرور کنیم.

منبع: LEGOMENON



تداوم حافظه

اثر «سالوادور دالی»، نقاش اسپانیایی سبک سوررئال

هرچند تابلوی «تداوم حافظه»، گران قیمت ترین اثر دالی نیست اما بی شک معروف ترین و محبوب ترین کار اوست. چرا؟ برای دانستن چرایی این موضوع، مهم است بدانیم دالی، موثرترین نقاش مکتب «سوررالیسم» یا فراواقع گرایی به معنی استفاده از عناصر واقعی در موقعیت های غیرواقعی است. پس یکی از مهم ترین دلایل محبوبیت این تابلو، برمی گردد به جایگاه مهم خالق آن که شخصیت و آثارش، الهام بخش تعداد بسیار زیادی هنرمند، از قرن ۱۹ تا همین حال است. سوررالیست ها، بیش از هر چیز تحت تاثیر تئوری های فریود درباره ریشه خواب های ما و نقش خواب ها بر زندگی مان بودند. روی همین حساب، چه در تابلوهای نقاشی و چه در فیلم های سینمایی به دنبال خلق اثری بودند که به شکل عمیق و دقیقی، خواب و خیال و رویاهای گاه ترسناک و عجیبشان را منعکس کند و تابلوی تداوم حافظه، یکی از بهترین نمونه ها در این زمینه است. از دیگر دلایل جنگجالی بودن این اثر، بحث های جدی و مهمی است که پیرامون محتوای این تابلو، بین کارشناسان و محققان وجود داشته؛ چرا که برخی معتقدند ساعت های در حال ذوب این تابلو، می تواند نشانه ای از نظریه مرفی اینشتین درباره نسبیت زمان باشد. نظریه نسبیت اینشتین، مفهوم جدیدی از «زمان» مطرح کرد و گفت زمان، نسبی و پیچیده است و چیز ثابتی نیست که از طریق ابزار می مانند یک ساعت جیبی اندازه گیری و پیگیری شود. در نقاشی تداوم حافظه، سالوادور دالی ساعت های در حال ذوب شدنی را نشان می دهد و انگار با این تصاویر، تاکید می کند گاهی ساعت ها قدرت و ثباتشان را در دنیای محیط پیرامون خود از دست می دهند و ماشین های ساده ای مانند ساعت های دیواری یا جیبی، حداقل پس از طرح نظریه نسبیت زمان اینشتین، ابزارهای بدوی و ناتوانی به حساب می آیند. این اثر که یکی از مهم ترین آثار هنر مدرن در دنیا به حساب می آید، هم اکنون در موزه هنرهای مدرن نیویورک نگهداری می شود.

شب پرستاره

اثر «ونسان ونگوگ»، نقاش هلندی سبک اکسپرسیونیسم

خالق یکی از به ظاهر ساده ترین اما در واقع محبوب ترین نقاشی دنیا که رکورددار بیشترین تعداد کپی در جهان است، یک نقاش جنگجالی است. چرا جنگجالی؟ یک هنرمند را تصور کنید که فقط ۳۷ سال عمر کرده، کل فعالیت هنری و حرفه ای اش ۱۰ سال بوده، در این ۱۰ سال بیش از ۹۰۰ نقاشی کشیده که فقط صد اثر، در ۱۰ روز آخر زندگی اش شکل گرفته. تا وقتی زنده بود هیچ کدام از آثارش فروش نرفت. بس که صداهای عجیبی می شنید، یک روز گوش راستش را پرتاب و از خودش، یک پرت به گوش بریده نقاشی کرد. سال پایانی زندگی اش را در یک بیمارستان روانسی گذراند و یکی از مشهورترین آثارش، یعنی تابلوی «شب پرستاره» را یکی از شب هایی که در آسایشگاه به سر می برد، خلق کرد و در نهایت، با شلیک یک گلوله به شکمش، جان سپرد! شخصیت از این عجیب تر؟ پس یکی از مهم ترین دلایل توجه دنیا به این تابلو، سرگذشت عجیب ونگوگ، نقاش آن است. از دیگر دلایل محبوبیت این تابلو، فارغ از تکنیک متفاوت اثر که برای اواخر قرن ۱۸ میلادی که همه هنرمندان مشغول کپی کاری مو به مو از طبیعت بی جان و جاندار بودند، یک حرکت پیشرو محسوب می شود، محتوای آن است. کارشناسان معتقدند از آن جا که ونگوگ، به واسطه حال و هوای متفاوتش، هیچ وقت مورد توجه و حمایت منتقدان آثار هنری قرار نگرفت، همواره با انزوا و حس ناامی دست به گریبان بود و این تابلو، نمایش عریان حس تنهایی اوست. عقیده بر این است که ۱۱ ستاره این تابلو، به داستان حضرت یوسف در کتاب مقدس و ۱۱ برادر او مربوط است. یوسف، تلاش بسیاری برای به دست آوردن دل برادرانش کرد ولی با وجود این همه نیکی، نتوانست توجه و محبت برادرانش را جلب کند؛ داستانی شبیه زندگی ونگوگ! این اثر که مهم ترین شاهکار ونسان ونگوگ به حساب می آید، هم اکنون در موزه هنرهای معاصر نیویورک نگهداری می شود.